

در این خصوص، واقعیتها را باید از آن جهت که در واقعیتها قرار دارند و نه از آن جهت که در ذهن ما قرار دارند، مورد توجه قرار داد. در این خصوص، واقعیتها را باید از آن جهت که در واقعیتها قرار دارند و نه از آن جهت که در ذهن ما قرار دارند، مورد توجه قرار داد. در این خصوص، واقعیتها را باید از آن جهت که در واقعیتها قرار دارند و نه از آن جهت که در ذهن ما قرار دارند، مورد توجه قرار داد.

آراء و عقاید جامعه‌شناسان غربی درباره طبقات تمدنی

مدتهاست که جامعه‌شناسان و علمای علوم تمدنی در پی طبقه‌بندی رویدادهای تمدن بشر می‌باشند.

راس^۱ با توجه به نظریه معروف مورگان^۲ در خصوص تحول و تغییر خانواده، معتقد است که فرایند یادشده همواره و در هر کجا که خانواده‌ای بوجود آمده است قهراً بصورتی بوده که مورگان آن را به روشنی در چهارچوب مراحل پنجگانه‌اش توضیح داده است. مراحل به اصطلاح «مورگانی» بدین شرح است:

- ۱- مرحله روابط جنسی بدون نظم و بدون قرارداد^۳.
- ۲- مرحله روابط جنسی نسبتاً مقید که در آن زناشویی باوالدین و اولاد تحریم شده است^۴.

1— Ross.

2— Morgan.

3— Schrankenlose Promiskuitaet.

4— Konsanghine Familie.

۳- مرحله روابط جنسی و زناشوئی که در آن ازدواج بین خواهران و برادران تحریم شده است.^۵

۴- مرحله مادرسالاری که ابتدای چندهمسری است.^۶

۵- مرحله پدرسالاری که در آن چندهمسری گسترش می‌یابد.^۷

کمپلویج معتقد است که بموازات تحولات یادشده در ساختمان خانواده نوعی تحول در بینش ماوراءالطبیعی تمدنهای بشری دیده می‌شود. تحول اعتقادی بشر، بر طبق این نظریه از بت پرستی^۸ آغاز شده و به کفر و روشنفکرانه می‌رسد و در این میان از مراحل انسان‌پنداری^۹، الهه پرستی^{۱۰} و یکتا پرستی^{۱۱} می‌گذرد. طرحی که ونت^{۱۲} در مورد تمدن بشر ارائه می‌کند با آنچه کمپلویج اظهار می‌دارد تفاوت چندانی ندارد. به نظر ونت بشر از مرحله بدویت مطلق حرکت می‌کند به عصر توتنم می‌رسد و با پشت سر گذاردن این مرحله به عصر قهرمانان و خداوندان و بالاخره و در نهایت امر به دوره تکامل انسان و اعتقاد جهان وطنی ارتقاء می‌یابد.

تقسیم‌بندی دیگری از تیلر^{۱۳} هست که به احتمال قوی آنرا از شارل

5— Punalua-Familie.

6— Mutterrechtliche Familie.

7— Patriarchat.

8— Fetischismus.

9— Antropomorphismus.

10— Polytheismus.

11— Monotheismus.

13— Wundt.

13— Taylor.

فوریه سوسیالیست معروف فرانسوی گرفته است . به عقیده تیلر تمدن بشری از ادوار توحش و مدنیت گذشته است . اساس مراحل تحولی شون برگ^{۱۴} ، مانند کارل مارکس^{۱۵} و فریدریش لیست^{۱۶} بر چگونگی وضع اقتصادی تمدنها مبتنی است . به نظر او تمدنهای بزرگ بشری ادوار اقتصادی زیر را یکی پس از دیگری پشت سر گذارده اند .

- ۱- دوره شکار .
 - ۲- دوره شبانی .
 - ۳- دوره نیمه شبانی و اقتصاد مرتع .
 - ۴- دوره کشاورزی محدود و دامپروری .
 - ۵- دوره کشاورزی پیشرفته .
 - ۶- دوره اقتصاد بزرگ صنعتی .
- فریدریش . لیست عالم معروف اقتصاد تقسیم بندی زیر را از تمدن بشری بدست داده است که شبیه تقسیم بندی ادوار تاریخ کارل مارکس می باشد :

- ۱- دوره شکار و جمع آوری میوه های جنگلی .
- ۲- دوره شبانی .
- ۳- دوره اقتصاد نیمه شبانی و مرتعداری .
- ۴- دوره کشاورزی و صنایع دستی .
- ۵- دوره کشاورزی و بازرگانی شهری .

14— Schoenberg.

15— Kar. Marx.

16— Fridrich. List.

او معتقد است که تمدن اروپا این مراحل را پشت سر نهاده است . نظریه تحولی بوز^{۱۷} بسیار شبیه عقیده فریدریش لیست است . آغاز دوره تمدن بشری را دوره گیاهخواری می‌داند که پس از آن دوره‌های بهره‌برداری از شکار و منابع دامی ، بهره‌برداری از منابع طبیعی و معادن ، دوره کشاورزی ، دوره کارهای دستی و صنایع کوچک بالاخره به دوره لوکوموتیو و بازرگانی جهانی می‌رسد .

گیدینگز^{۱۸} جوامع حیوانی و انسانی را از لحاظ تکامل و تحول شبیه هم می‌داند . او مراحل زیر را برای توضیح تحول رشد فکری و روابط بشری ، در کلیه جوامع قابل تعمیم می‌داند :

۱- دوره تقلید حیوانی . در این دوره اعمال انسانها از زندگی حیوانات تقلید می‌شود و انسان هنوز از لحاظ رفتار در سطح جانوران قرار دارد .
۲- دوره روابط انسانی که در آن انسان بر اساس قوه تفکر از حیوان فاصله می‌گیرد .

۳- دوره‌ای که اجتماعات و گروههای بشری بیاری امکانات فکری و قوه نطق نوپای خویش جوامع مختص به خود را تشکیل داده و گروههای کوچک انسانی در آن با تمدن‌سازی و ایجاد تنوع در زندگی از حیوان فاصله بیشتری می‌گیرند . در این دوره قبایل کوچک بشری با ابزار محدود فرهنگ مادی و معنوی در واحد قبیله به همکاری می‌پردازند . این قبایل در حقیقت بنیان‌گذار پدیده قوم‌مداری می‌باشند .

۴- دوره‌ای که ملتهای کوچک در نتیجه ادغام قبایل در یکدیگر پدید می‌آیند و تقسیم کار آغاز می‌گردد . در این دوره به علت رشد اقتصادی و رفاه

17— Boas.

18— Giddings.

بیشتر جمعیت افزایش می‌یابد و مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاص خود را بوجود می‌آورد.

گیدینگز برای هر یک از این ادوار چهارگانه طرز تفکر بشر خصائصی به تفصیل می‌آورد که مجال ذکر آنها در اینجا نیست. و به اشاره‌ای در این مورد اکتفا می‌کنیم. به نظر او در انتهای دوره اول که هنوز انسان از نظر رفتار با حیوان تفاوتی ندارد حس همکاری بر اساس تعلق داشتن به یک گروه، در ناخودآگاه انسانها پیدا می‌شود و این آغاز پیدایش روحیه تعاون است که سازنده تمدن‌ها می‌باشد و بعدها در جریان تحول، شکل متعالی بخود می‌گیرد. علاوه بر این، پدیده‌هایی چون قدرت پذیرش و تحمل حوادث غیر مترقبه، تقلید، تنفر، علاقه، قدرت تفاوت‌گذاری و قوه تطبیق امور در اواخر این عصر به زندگی مردم این دوره وارد می‌شود که در دوره‌های بعد همین قوا اساس ماهیت بشر را تشکیل می‌دهند.

در خصوص دوره دوم یعنی دوره روابط انسانی که در آن انسان تقریباً از حیوان فاصله گرفته و راه سرنوشتن خویش را در پیش دارد، تجربه و شناسائی به معنی واقعی کلمه آغاز می‌شود. به نظر گیدینگز این دو عامل شرایط بنای سیستم اعصاب و مغز را در انسان بکلی دگرگون می‌سازند.^{۱۹} چنان‌که در انتهای دوره دوم بشر از لحاظ ماهیت با حیوان کاملاً متفاوت می‌گردد و قوه نطق و تکلم او را بطور بارزی از حیوان متمایز می‌سازد. زبان که مهمترین عملکرد آن انتقال مفاهیم و بیان چگونگی حالات بشری است، در این دوره جزء بزرگترین امتیازات انسانها می‌شود. در این دوره به یمن وجود زبان تصورات خاص بشری، چون حق، حس مالکیت، ایده‌آل‌های اخلاقی، سیاسی و مذهبی، و سایر تفاوت‌های موجود در زمینه آگاهی بشر رخ می‌نمایند. و بر اساس پیدایش احساسهای یادشده گروه‌های بشری

بایکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند و دسته‌هایی با عقاید و معتقدات خاصی ، بعنوان قوم و قبیله بوجود می‌آیند و این آغاز دوره سوم است که دوره گروه‌های بشری مبتنی بر قوم‌مداری می‌باشد .

در دوره سوم جنگ‌های قبیله‌ای و تضاد منافع منجر به تشکیل قبایل بزرگ ، با سطح تولید و مصرف بالا می‌شود . نتیجه‌نهایی این وضع تشکیل ملل کوچک با تصورات و عقاید مختلف می‌باشد . در انتهای دوره سوم شرایطی بوجود می‌آید که بر طبق آن اکثر قبایل ، برای ادامه بقا به اتفاق و اتحاد علیه سایر ملل نیازمند می‌گردند و از این طریق در انتهای دوره سوم و ابتدای دوره چهارم فکر ملت‌پرستی جای‌ایده‌لوژی قوم‌مداری را می‌گیرد . در دوره چهارم که زندگی ملت‌ها شروع می‌شود تخصص همراه با مسائل مربوط به تقسیم کار مهمترین مسئله جوامع اقتصادی پیشرفته این عصر را تشکیل می‌دهد . مصرف و تولید در سطح وسیع صورت می‌گیرد و رشد جمعیت نیز از اعتدال خارج می‌شود چنان‌که مسئله برقراری تعادل بین رشد جمعیت و امکانات تولید مواد غذایی جزء مشکلات این دوره می‌شود . بحرانهای اقتصادی و تورم هر کدام در ابعاد بزرگ پیدا می‌شوند و زندگی ملل در حال توسعه را مورد تهدید قرار می‌دهند . در این دوره حرفه و تخصص تعیین‌کننده معنی و مفهوم اجتماعی هر فرد می‌باشد و روابط مادی و نهادهای اقتصادی سرنوشت ساز هستند .

مالکیت از حالت مالکیت‌های بزرگ کشاورزی بیرون می‌آید و مشکل مالکیت‌های بزرگ صنعتی را به خود می‌گیرد و اختلافات طبقاتی به علت پیدایش راه‌های متفاوت و پیچیده کسب درآمد تشدید می‌شود . حساب مذهب با سیاست به نسبتی زیاد جد می‌شود و معیارهای اجتماعی دگرگون می‌گردد . خانواده از حالت گسترده به حالت هسته‌ای درآمد و تعهدات اعضای

خانواده‌ها در مقابل یکدیگر تغییر شکل می‌یابد و خانواده‌های خویشاوندی بر اساس ضرورت‌های شغلی در فواصل نسبتاً بعید جغرافیائی نسبت بهم قرار می‌گیرند. و اگر از لحاظ جغرافیائی باهم فاصله چندانی نداشته باشند، به علت اشتغال به امور مربوط به کار و شغل، روابط محکم گذشته را ندارند. کورت بریسیگ تمدن بشر را به تمدن‌های عهد باستان، قرون عتیق، قرون وسطی، قرون جدید و قرون معاصر تقسیم می‌کند. به نظر او در عهد باستان مردها حکومت را در دست داشته‌اند و اقتصاد این عهد را اقتصاد شبانی و نیمه کشاورزی تشکیل می‌داده است. در این دوره قهرمانان از مرتبه بشری به مراتب خداوندی می‌رسیدند و شیوه اعتقاد مردم توتمیسم بوده است. بریسیگ عقیده دارد که مردم عهد باستان در زمینه کارهای هنری پیشرفته بوده‌اند. به نظر او انسان عهد باستان نمونه‌ای از کمال بوده و تمام نیروهای حقیقی سازنده یک انسان ایده‌آل در وجودش به تلفیقی زیبارسیده است. علاوه بر این بیگانگی که بزرگترین بیماری انسانهای ادوار بعدی است مردم این عهد را آلوده نکرده است و سراسر زندگی بشر این روزگار در یکپارچگی و بیگانگی با خود و با محیط گذشته است.

در دوره عتیق، که عهد قدرت پادشاهان است، بوروکراتی نیز در کنار روابط مالک و رعیت در بخش کشاورزی بوجود می‌آید. حکومت‌های شمال آفریقا (بخصوص مصر)، ایران، هند، چین، ژاپن و امپراطوری قدیم امریکا بنام مایا^{۱۹} و اینکاها^{۲۰} جزء دولت‌های حقیقی این دوره بحساب می‌آیند. در همین دوره است که بازرگانی و تجارت به همراه کسب و پیشرفت با اقتصاد پولی ناقص پدیدار می‌شود، کشاورزی نیز گسترش می‌یابد اما هنوز ابعاد

19— Maya.

20— Inkas.

دوره اقتصاد کشاورزی فئودالیسم را بخود نمی‌گیرد. آنچه غیر قابل انکار است وضع اسف‌انگیز افرادی است که برای اشراف بعنوان غلام یا سایر عناوین بیگاری می‌کنند.

در این عهد ساختمانهای عظیم و زیبایی از نظر فن معماری احداث می‌شوند که در آنها ذوق و هنر بشری مراحل پیشرفته خود را متجلی می‌سازد. از نظر مذهبی با وجودی که چندین خدا بعنوان خداوندان وجود دارند، همیشه يك خدای قدرتمند بر همه عالم و دیگر خداوندان حکومت می‌کند و موضوع اساسی اندیشه‌ها را جنگ و درگیری خداوندان تشکیل می‌دهد.

قرون وسطی در واقع دوره قدرت اشرافیت بحساب می‌آید. در این دوره اشرافیت پیوند خود را با مذهب محکم کرده و اساس دولتها را دربر می‌گیرد. چنان که قوام هیچ دولتی بدون توافق اشرافیت اقتصادی و اشرافیت مذهبی قابل تصور نیست. ارزشهای مذهبی نیز بنا به سلیقه اشراف تحریف و تعریف شده و انسانها رابطه حقیقی لازم را با اصل مذهب خود از دست می‌دهند. البته در کنار اختناق که اشرافیت بوجود آورده بود، نهضت‌های فکری عرفانی باشناخت دقیق حقایق تولید یافت و در بسیاری از موارد برای پیروزی و تسلط بر اشراف مجبور به دادن قربانی شد. بسیاری از عرفا و اندیشمندان واقعی که از فضای کثیف فکری و مذهبی عصر خود به ستوه آمده بودند ابرار مخالفت‌های شدید با محکوم به اسارت شدند و یا این که شربت شهادت را چشیدند. و در حقیقت عرفان و روحیه درون‌گرایی مفرط یکی از نتایج فشاری است که در این عهد بر روح انسانها وارد شده و نتیجه دیگرش عصیانهای فکری بر ضد مذهب رسمی بوده است. در انتهای قرون وسطی کلیسا که مرکز اتحاد اشراف و زورمندان است، مورد اعتراض توده بیدار شده قرار گرفت و آگاهی روز افزون مردم از پیوند شوم کلیسا و

قدرتمندان باعث سقوط معنوی آن گردید. تا این که در آغاز قرون جدید انسان بعنوان يك ارزش متعالی والهی اهمیت یافت و جایگزین آن گردید. ایده دولت نیز در قرون جدید پا گرفت و کسانی چون توماس هابز در خصوص لزوم دولت عقاید جدیدی آوردند که مدتها بهانه‌ای خوب برای صاحبان قدرت در کشورهای متجاوز و توسعه طلب گردید. اقتصاد پول در مفهوم دقیق کلمه بازرگانی بین‌المللی به‌مراه اقتصاد کشتی‌رانی نضج گرفت و مراحل تقریباً نهائی خود را آغاز کرد.

در زمینه هنر بخصوص درام‌نویسی راجع یافت و سیستم‌های فلسفی جنبه‌های اجتماعی زندگی مردم را بر موارد متافیزیکی ترجیح دادند. این دوره را که در آن تحولات شدید تمدنی اتفاق افتاد «ظهر بزرگ تاریخ» نام نهاده‌اند. زیرا که تا انتهای این قرون تمام ارزشهای قرون وسطی دچار دگرگونی و تحول شدید گردید.

در قرون معاصر تضادهای طبقاتی شدت گرفت و انقلابات متشکل از توده‌های مذهبی و سیاسی آغاز شد. در این دوره نیز قدرتهای ارتشی کشورهای مادر که از آغاز قرون جدید مشغول استعمار و استثمار ملل ضعیف بودند، تغییر روش داده و استعمار نو را جانشین استعمار کهنه نمودند. و از این طریق به تجاوز و دست‌اندازی به ممالک ضعیف ادامه دادند. در کنار استعمار نو امپریالیسم در مفهوم دقیق کلمه نیز پا به صحنه تاریخ نهاد و زشتی نتایج ضدانسانی‌اش بروز نمود. برخی از ملل به ظاهر و گروهی واقعاً آزادی بدست آوردند و روابط جدیدی در سطح سیاست بین‌المللی پیدا شد، چنان که کشورهای قوی را در خصوص کشورهای ضعیف مجبور به تجدیدنظر ساخت. در غرب و شرق در نتیجه پیدایش دو جهان‌بینی جدید بنام کمونیسم و لیبرالیسم تصادم ایده‌ل‌وژیکی شدت یافت و اقتصاد سرمایه‌داری مراحل جدیدی را پشت‌سر نهاد. علوم از حالت عمومیت خود خارج

شده و جنبه‌های موردی و دقیق تخصصی به خود گرفتند و زندگی افراد در پرتو تخصص‌ها و مهارت‌ها شکل تازه‌ای یافت. و یلهم و نت با استفاده از روانشناسی ملل ادواری را که يك ملت یا قوم از پست‌ترین مراحل تا ادوار پیشرفته طی کرده‌است نشان می‌دهد. در فاصله ادوار ابتدائی تفکر بشر و جوامع پیشرفته بوجود مراحل گوناگون اشاره می‌کند که ما بعلمت محدودیتی که این مقاله ایجاد کرده‌است از ذکر آنها معذوریم. و نت ضمن اشاراتی درباره دوره توتمیسم، عصر قهرمانی، عصر خدایان و عصر انسان‌گرایی را طرح نموده و رابطه هر کدام از این ادوار تمدنی را با شیوه تفکر مربوط بآن روشن می‌سازد. به نظر او دولت برای اولین مرتبه در دوره توتمیسم بوجود آمده‌است. در این دوره نفوذ شخصیت‌های رهبر، که در حقیقت جایگزین دولت در مفهوم دقیق کلمه‌اند پر دوام می‌شود و بابرقراری سلسله‌های رؤسای قبیله جنگ‌هانیز آغاز می‌گردد و رهبران سلسله‌ها برای دوام خویش دست به مبارزات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌زنند. در انتهای همین دوره‌است که برخی از حیوانات مقدس در اقتصاد بکار گرفته می‌شوند و حرمت آنها انکار می‌گردد. مجموعه این رویدادها پیش در آمد عصر الهه‌ها است. در این عصر هر يك از خداوندان در زمینه قدرت خود توانا است و گاه قهرمانان بشری از مراحل معمولی به ارزشهای متعالی و مقام الوهیت می‌رسند. و قدرتهائی را چون اجرای مجازات و اعطای پاداش کسب می‌نمایند.

با افزایش جمعیت و پیوستن قبایل به یکدیگر سیستم اداری قبیله‌ای دگرگون شده و در پی آن دولت‌هائی که نتیجه اتفاق چند قبیله می‌باشند پدیدار می‌شوند. تشدید مهاجرت و کوچ قبایل به نقاط خوش آب و هوا و در نتیجه تراکم جمعیت برای دولت‌ها مسایل اقتصادی و اجتماعی خاصی ایجاد می‌کند. دولت‌ها برای اداره بهتر قلمرو خود بر تعداد اعضای کادر رهبری می‌افزایند و نیاز به گروه‌های رهبر در میان ملل پدیدار می‌شود.

مولر-لیر تقسیم‌بندی دیگری از تمدن بشری نموده است که برخلاف کلیه تقسیم‌بندی‌های ذکر شده عمودی است. او تمدن‌ها را به دو طبقه متمایز تقسیم نموده و برای هر کدام معنی و اهمیت خاصی قائل است. بنا به عقیده او هر تمدنی دارای طبقه‌ای زیربنائی و طبقه‌ای روبنائی بشرح زیر می‌باشد: زیربنای هر تمدنی تشکیل می‌شود از اقتصاد و عوامل جسمانی محض در حالی که روبنا عبارتست از زبان، قوای غیبی، مذهب، علم، اخلاق، حقوق و هنر. مولر-لیر ضمن بررسی رابطه عوامل زیربنائی به عامل اقتصاد اشاره کرده و اهمیت آن را بعنوان عامل تعیین‌کننده مسائل روبنا تأکید می‌نماید. علاوه بر این ادوارشش‌گانه تکامل اقتصادی سرمایه‌داری مولر-لیر پراهمیت است که ما بررسی آن را به مجالی دیگر موکول می‌کنیم. مولر-لیر در انتها به این نتیجه می‌رسد که تمدن جهان تحت دو قانون تغییر و تحول می‌یابد:

۱- قانون تکثر: اجتماعات میل به تکامل و گسترش و پیچیدگی دارند و بر اساس داده‌های محیطی مناطق آباد از تراکم جمعیت برخوردار می‌گردند و در نتیجه مسائل خاص آن مناطق از نظر اخلاقی، سیاسی، اقتصادی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. علاوه بر این بازرگانی و کشورگشائی (چه از راه استعمار کهنه، استعمار جدید و یا امپریالیسم اقتصادی) به نفع اقتصادهای قدرتمند صورت می‌گیرد. و از این رهگذر تعادل قوا در سطح سیاست بین-المللی به نفع اقویا برقرار می‌شود.

۲- قانون تحول قالبها: هر تمدنی برای نیل به مزاحل عالی تکاملی مجبور است مرتب قالب‌عوض کند و پیوسته در تغییر شکل و دگرگونی‌های بنیادی باشد. چنان‌که در هر دوره اقتصادی یک سیستم خاص مالکیت، و یا تقسیم کار رایج است و با فرارسیدن نظام جدید مالکیت و تقسیم کار جدید

تغییر شکل یافته و جای خود را به نظام جدید می سپارد. موار- لیر برای توضیح بیشتر این نظریه درخت خرما را بعنوان مثال مورد استفاده قرار می دهد و می گوید همانطوری که شاخه های پائین این درخت در یک دوره سبز بوده و بارش درخت زرد شده است تمدن هانیز هر کدام در ادوار طی رشد خود پدیده های جدید و تازه داشته اند که با فرارسیدن نظام جدید به سرنوشت برگ های زرد شده مبتلا شده اند. در خاتمه لازم است خاطر نشان شود که صحه گذاری بر یکی از نظریات مربوط به طبقه بندی تمدنها و یا نیل به یک نتیجه قطعی امری است نسبتاً محال. چرا که اولاً هر کدام از علماء و صاحب نظران تمدن هارا بر اساس جهان بینی و طرز اعتقاد خاص خود ارزش یابی و طبقه بندی نموده اند و ثانیاً چون هر تمدنی مجموعه ئی است از ارزش ها و تعیین اولیت آنها یک مسئله جهان بینی است نه یک کار علمی ارائه هر گونه نتیجه قطعی منجر به پیشداوری و ارزشیابی شخصی خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

فهرست مأخذ

- 1— Breysig. K : DerStufenbau und Gesetze der Weltgeschichte, 1927.
- 2— Breysig. K : Von sein und Erkennen Geschichtlicher Dinge 4. Bde 1935-43.
- 3— Breysig. K : Geschichte der Menschheit. 5 Bde. 1955.
- 4— Dazel, Wilhelm. Kultur und Religion des Primitiven Menschen 1924. 2. Aufl. Darmstapt. 1954.
- 5— Hellpac, W : Kulturpsyshologie. 1. Aufl. Enke. Stuttgart. 1953.
- 6— Neumann, H : Primitive Gemeinsha-Ftskultur. Diederichs. Jena, 1921.
- 7— Piper, H : Die Gesetze der weltgeschichte, 2 Bde. Leipzig, 1928129.
- 8— Keiter, F : Hauptpunkte Einer Wissenschaftlichen Theorie der Kulturunterganges. Koln, Z. F. S. 5. J. G. 1953.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی